

# مدیریت و مالکیت مطبوعات در افغانستان

نوشته علی‌یاور اکبری

## چکیده

نظام‌های سیاسی حاکم بر افغانستان را می‌توان از ابتدای پیدایش مطبوعات (۱۲۵۲ش) تا کنون به نظام سلطنتی (۱۳۵۲-۱۲۵۲)، نظام جمهوری‌های خودخوانده (۱۳۷۱-۱۳۵۲) و نظام اسلامی (۱۳۸۶-۱۳۷۱) تقسیم‌بندی کرد. نظام سلطنتی افغانستان که پادشاه در رأس امور مملکت قرار داشت، دقیقاً یک قرن بر مطبوعات این کشور سایه افکند. در نیم قرن ابتدایی تاریخ مطبوعات افغانستان به‌طور مطلق مالکیت چاپ و نشر از جمله انتشار و اداره مطبوعات در اختیار دولت قرار داشت. پس از حدود نیم قرن از پیدایش نخستین نشریه دولتی، به تدریج حوزه انتشار نشریات دولتی از حوزه شهر کابل پایتخت افغانستان فراتر رفت و فضا برای پیدایش نشریات خصوصی (۱۳۰۶) نیز مساعد گردید. از دهه ۱۳۳۰ هـ. ش که پای نشریات حزبی (گروهی) در افغانستان باز شد، مردم این کشور توسط مطبوعات حزبی مورد تهاجم و بمباران شدید ایدئولوژیکی قرار گرفتند.

در دوره حاکمیت جمهوری‌های خودخوانده که با کودتای محمدداود در سال ۱۳۵۲ آغاز می‌گردد، نظام کمونیستی بر مطبوعات افغانستان سایه افکند و آزادی بیان به‌شدت محدود گردید. بسیاری از روزنامه‌نگاران ترک دیار نمودند و در عالم مهاجرت در چارچوب احزاب یا به صورت آزاد به انتشار نشریات اقدام نمودند.

در سومین دوره نظام‌های سیاسی افغانستان، که دولت اسلامی توسط مجاهدین تشکیل گردید، اختلافات گروهی باعث شد که هرج و مرج مطبوعاتی که از زمان پیدایش نشریات حزبی آغاز شده بود، در این دوره تقویت شود و در دوره‌های بعدی نیز ادامه یابد. ورود طالبان به عرصه سیاسی افغانستان علاوه بر این که موجب حذف کلی تلویزیون از زندگی مردم افغانستان شد، سخت‌گیری‌هایی را نیز برای مطبوعات به دنبال داشت. پس از تحولات ۱۱ سپتامبر و روی کار آمدن دولت انتقالی و همچنین دولت اسلامی افغانستان به ریاست حامد کرزای که تاکنون ادامه دارد، جنب‌وجوش مطبوعاتی و رسانه‌ای در افغانستان افزایش یافته است. علاوه بر موارد فوق، مهاجران افغانی در خارج از کشورشان نیز اقدام به تأسیس و اداره نشریه نموده‌اند که به‌طور فشرده فعالیت‌های مهاجران افغانی در ایران نیز در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

به‌طور کلی مدیران مطبوعات افغانستان را از نظر نوع تخصص می‌توان به «مدیران ملکی» (غیرحرفه‌ای) و «مدیران مسلکی» (حرفه‌ای یا متخصص) تقسیم کرد. مدیران ملکی فاقد دانش و تخصص لازم در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی هستند. هرچند در سال ۱۳۴۵ اولین دوره دانش‌آموختگان رشته روزنامه‌نگاری از دانشگاه کابل فارغ التحصیل شدند و زمینه برای پیدایش اولین مدیران مسلکی (حرفه‌ای) فراهم گردید، اما به دلایل مشکلات داخلی و جنگ این سرمایه‌های عظیم انسانی نیز در نهایت تباه شدند. همچنین در نتیجه سایه سنگین و طولانی نظام آمرانه حاکم بر مطبوعات افغانستان، مدیران «مطبوعات دولتی» همواره به عنوان مبلغ و بازوی تبلیغاتی دولت‌ها عمل می‌کردند و ضمن انعکاس تقاضاهای نظام سیاسی، مقوم نظام و مشروعیت سیاسی آنان بودند. همچنین، به دلیل این که دولت‌های حاکم بر افغانستان به صورت مکرر آزادی مطبوعات به معنای «عام» و «خاص» آن را نادیده گرفته‌اند، مدیران نشریات خصوصی بیش از دیگران از داشتن آزادی بیان به معنای واقعی محروم بوده‌اند. مدیران مطبوعات حزبی هم علاوه بر این که آشوب و هرج و مرج فکری را در جامعه افغانستان حاکم نمودند، در نهایت موجبات سرخوردگی و کناره‌گیری مردم از احزاب و گروه‌های سیاسی را فراهم کردند. بنابراین از نظر نوع مالکیت مطبوعات سه نوع مدیر (دولتی، حزبی یا گروهی و خصوصی) وجود دارد.

در این مجال، ضمن بررسی مدیریت و مالکیت مطبوعات در افغانستان، سیر تحول و پیدایش مطبوعات در این کشور نیز بررسی می‌شود.

## مقدمه

( ) /  
( : ) .

( : ) .

( : )

» .

....

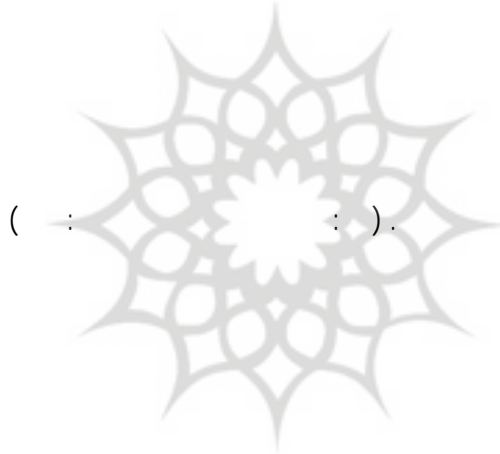
“ ”

( : ) «

( )

( : )

( : )



( : )

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

الف. مطبوعات در حکومت‌های سلطنتی (۱۳۵۲-۱۲۵۲)

۱. خلافت قانون

« »

شمس النهار.

( )

( : ) .

( : ) .

( : ) .

( )

( : )

سراج الاخبار افغانستان.

( : ) «.

« »

“ ”

“ ”

( : ) «.

» .

شپوه شگاه علوم «انسانی و مطالعات فرهنگی» [ ] « ( : ) .

رتال جامع علوم انسانی ( : ) .

( : ) . « »

سراج الاخبار افغانیه.

» :

: ) «.

(

»

( )

«

»

( : ) «

( )

( : ) .

»

« » «

( : ) .

سراج الاطفال.

( : )

»

[ ]

[ ]

[ ]

( : ) «.

( : ) «.

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

« »

« » « »

« » ( : ) « » « »

« »

( : ) . « » « »

« »

( )

« » « »

) ( )

« ».

## ۲. مطبوعات در سایه قانون

( ) ( )

( : ) «

« »

( )

« »

( )

( )

( )

( )

/

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

»

( : )

### ۲.۱. پیدایش نشریات خصوصی

«

»

« »

«

»

».

( : ) «

[ ]

)

( :

( )

( )

( )

( : : )

» .

( : : ) « ( )

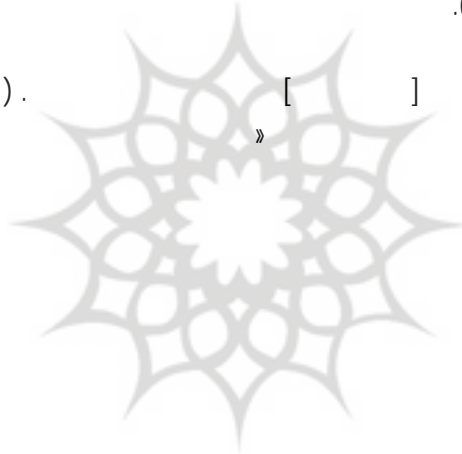
« »

( : ) « »

( : ) . [ ]

«

( : )



پروشکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ( : ) .  
پرتال جامع علوم انسانی « " " " " »

( : : )

[ ]

( : ) « [ ]

«

»

:

« [ ] »

[ ] »

( : ) .

« »

( : ) .

### ۲.۲. پیدایش نشریات حزبی

« »

( )

( )

( : ) «

« »

( : )

( )

« » « »

(.

( : ) «

( )

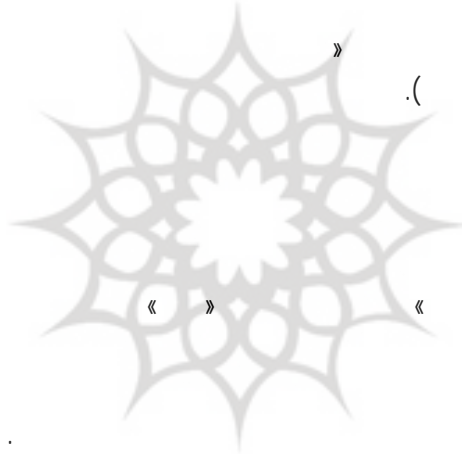
»

( : ) .

« » « » « »

» .

( : ) «.



شرویه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

( )  
»  
) «  
:

( )  
»  
( )  
»

( )  
»  
»

( )  
( : )

»

( )

[ ]

) «

( :

»

»

( : ) «

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منتشر می‌کردند به نحوی که انتقاد از عملکرد دولت و مسئولان کشور از جمله انتقاد از شخص شاه یک امری عادی بود. هفته‌نامه خلق به صاحب امتیازی نورمحمد ترکی و مدیریت حسن بارق شریفی و پرچم به صاحب امتیازی ببرک کارمل و مدیریت سلیمان لایق مبلغ گرایش‌های مارکسیستی - لنینیستی بودند (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۴۱). نشریه پرچم نیز در تبلیغ اندیشه‌های مارکسیستی به حدی پیش تاخته بود که در یکی از شماره‌های خویش شعار «درود بر لنین» را درج نمود، همین امر موجب نفرت و تحصن روحانیون در مسجد پل خشتی کابل و توقیف نشریه پرچم گردید. نشریه شعله جاوید نیز به مدیریت و صاحب امتیازی عبدالرحیم محمودی با اندیشه مارکسیسم - مائوئیسم و هفته‌نامه مساوات با گرایش غربی فعالیت داشتند. سایر گروه‌ها نیز نشریات مخصوص به خودشان را داشتند. (مشعوف، ۱۳۷۷: ۷۰)

#### ب. مطبوعات در جمهوری‌های خودخوانده (۷۱-۱۳۵۲)

پس از «دهه دموکراسی» دوره «جمهوری» خودخوانده محمدداود به شکل دیکتاتوری پدیدار شد. شروع دوره جمهوری‌های خودخوانده افغانستان با کودتای ۲۶ تیر سال ۱۳۵۲ هـ. ش آغاز شد و با کناره‌گیری دکتر نجیب‌الله (۱۳۷۱) از قدرت به پایان رسید. کودتای محمدداود موجب تغییراتی اساسی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان شد. هرچند قانون اساسی این دوره (چهارمین قانون اساسی) متأثر از قوانین «دهه دموکراسی»



بود اما در عمل شرایط اختناق و فضای رعب و اضطراب بر مطبوعات حاکم شد. «به دلیل اینکه آزادی‌های سیاسی و فرهنگی تحت حاکمیت و انحصار حزب دموکراتیک خلق درآمده بود، نشریات این دوره از نظر شکل با هم متفاوت بودند ولی از دیدگاه مضمون و محتوا در یک ردیف قرار داشتند (مشعوف، ۱۳۷۷: ۷۰). آن‌گونه که صباح‌الدین کشکی از جمله نخستین دانش‌آموختگان رشته روزنامه‌نگاری از دانشگاه میشیگان آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان قوه چهارم (مطبوعات) یادآور شده است، قبل از کودتا «ده جریده غیرحکومتی به نشر می‌رسید، محمد داود همه جراید غیرحکومتی را مسدود کرد (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). «روزنامه‌نگاران در حرفه خود فاقد استقلال و صلاحیت بودند و خبرنگاران، مدیران مطبوعات از سوی دولت تعیین و منصوب می‌شدند. سانسور و نظام پیشگیرانه بر مطبوعات تحمیل شد» (بی‌نام، ۱۳۸۳: ۱۲). این در حالی است که محمد داود در بیانیه اعلام جمهوری «بسط و توسعه مطبوعات، انتشار دموکراتیک به منظور بیداری مردم، تقویت هنرهای ملی، تئاتر، سینما و رادیو و ایجاد شبکه تلویزیون در مملکت را به مردم افغانستان وعده داده بود. (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

در دوره ۱۴ ساله (۷۱-۱۳۵۷) حکومت‌های کمونیستی افغانستان که به ترتیب نورمحمد ترکی، حفیظ‌الله امین، ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله یکی پس از دیگری زمام امور افغانستان را در دست گرفتند، «بسیاری از نشریات تعطیل و نیز بسیاری از مراکز طبع و نشر منهدم گردیدند، افرادی که با نظام کمونیستی همکاری نداشتند خصم تلقی شدند و آزادی از غیرکمونیست‌ها دریغ شد، نشریات مخالف اجازه چاپ و نشر نیافتند. نهاد مطبوعات، به تأسی از اندیشه‌های لنین، ابزاری برای تبلیغ و تهییج و نیز سازماندهی مردم در اختیار و در جهت مقاصد حزب و دولت کمونیستی تلقی شد، تحلیل و تفسیر مسائل سیاسی و موضوعات، بر بنیان نظریات مارکسیستی صورت گرفت و تنها تأویل مارکسیستی معتبر تلقی شد.» (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). در دوره حکومت‌های کمونیستی افغانستان تنها نشریات دولتی و نشریات احزاب کمونیستی خلق و پرچم و یا نشریات وابسته به جناح بندی‌های درون حزبی اجازه انتشار داشتند. البته در دوره دکتر نجیب‌الله آخرین بازمانده حاکمان کمونیست افغانستان که به آشتی ملی معروف است «اتحادیه ژورنالیستان افغانستان» در ۲۰ اسفند ۱۳۶۵ با اهدای چون هماهنگ کردن روزنامه‌نگاران، حمایت از حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تحکیم روابط حسنه با اتحاد جماهیر شوروی سابق به وجود آمد. (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۳۸۶). در این دوره همچنین بر شمار نشریه‌ها افزوده شد و به ظاهر بعضی از نشریه‌های غیروابسته (مانند آزادی به مدیریت غلام‌سخی غیرت، اخبار هفت‌به‌مدیریت ظاهر طنین، و نشریات سلام و سب‌وون) به وجود آمدند؛ اما هیچ‌کدام این نشریه‌ها نمی‌توانستند مسائل جدی سیاسی - اجتماعی را مطرح کنند. در برخی از نشریات انتشار مطالب انتقادی به چشم می‌خورد، اما این انتقادات به جای مسائل اصلی به مسائل فرعی توجه داشتند.

در مجموع حکومت‌های کمونیستی افغانستان نه تنها آزادی مطبوعات را در این کشور محدود کردند بلکه نسبت به ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی مردم نیز مخالفت نشان دادند. همچنین در این دوره با ورود نیروهای نظامی ارتش سرخ شوروی سابق در ۶ دی‌ماه ۱۳۵۸، جنگ خونین خانمانسوزی سراسر افغانستان را فراگرفت که در نتیجه آن تمام دستاوردهای علمی - فرهنگی از جمله شیرازه نظام مطبوعاتی این کشور از میان رفت.

### ج. مطبوعات در حکومت‌های اسلامی (۱۳۸۶-۱۳۷۱)

پس از این که در اردیبهشت ۱۳۷۱ دولت اسلامی افغانستان در کابل تأسیس گردید، نشریات احزاب که در خارج از کشور به چاپ می‌رسیدند، به داخل منتقل شدند. البته برخی از نشریات که همچنان در شهرهای پاکستان یا شهرهای ایران به چاپ می‌رسیدند در کابل و دیگر شهرهای افغانستان توزیع می‌گردیدند. در داخل افغانستان نیز «گروه‌های سیاسی عضو دولت اسلامی افغانستان در کنار نشریات دولتی به انتشار جراید خود ادامه دادند، همزمان جراید خصوصی نیز اجازه انتشار یافتند. دولت اسلامی، انواع مالکیت و اداره مطبوعات (دولتی، گروهی و خصوصی) را به رسمیت شناخت. (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

مجاهدین گردآمده در دولت اسلامی به دلیل عدم توافق و اختلافات نتوانستند پیش‌نویس قانون اساسی را که تهیه و تنظیم نموده بودند به تصویب برسانند؛ در نتیجه چهارمین قانون اساسی افغانستان را که مربوط به دوره جمهوری محمد داود بود، به اجرا گذاشتند. در ماده ۳۸ قانون مذکور این چنین آمده است: «آزادی فکر و بیان از تعرض مصون است، هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر یا امثال آن مطابق با احکام قانون اظهار کند. اجازه و امتیاز تأسیس مطابع و نشر مطبوعات تنها به اتباع افغانستان مطابق به احکام قانون داده

می‌شود. تأسیس مطابع بزرگ و تأسیس و تدویر [اداره] دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص به دولت افغانستان است.»

صحنه سیاسی افغانستان در سال ۱۳۷۴ توسط طالبان ورق خورد. در دوره حکومت طالبان (۸۰-۱۳۷۴) بر کابل نام این کشور به «امارت اسلامی طالبان» تغییر کرد، تلویزیون از زندگی افغانی‌ها حذف شد و «مطبوعات خصوصی نیز از اجازه فعالیت محروم شدند.» (عصمت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۶۱). روزنامه شریعت ارگان مطبوعاتی طالبان که فعالیت‌های خودش را از سال ۱۳۷۴ در پیشاور پاکستان آغاز کرده بود، پس از ورود طالبان به کابل در سال ۱۳۷۵ به ابزاری برای درج اخبار جنگ، مصاحبه‌های مطبوعاتی، اعلامیه‌های دولتی طالبان به کار گرفته شد. به تدریج طالبان پس از استحکام پایه‌های خود در کابل، مجوز انتشار ۱۲ نشریه را نیز صادر کردند. (جعفری، ۱۳۷۷: ۵). این نشریات که همگی از ارگان‌های گروه‌های درگیر در جنگ بودند در خارج از افغانستان منتشر می‌شدند. در خبرها از وجود روزنامه‌ای مستقل به نام صبح/امید در کابل سخن رفته است که در اکتبر ۱۹۵۵ اعضای تحریریه این نشریه تغییر کرد و تیمی که از سوی طالبان منصوب شده بود جای گروه کاری قبلی را گرفت (جعفری، ۱۳۷۷: ۵). در این دوره مطبوعات در سایه مدیریت دولتی اداره می‌شدند. روزنامه‌های انیس، کابل تایمز، هیواد و هفته‌نامه‌های الخرافت الاسلامیه، بیدار، ضرب مومن، طلوع افغان و دوهفته‌نامه اورنگ هشتم و ماهنامه دکمکیانو انیس دوماهنامه کندهار و نشریات سره میاشت و اردو جزء نشریات دوره طالبان هستند.

### مطبوعات در دوره معاصر

حوادث ۱۱ سپتامبر موجب حمله آمریکا به افغانستان، سقوط حکومت پنج‌ساله طالبان در پائیز ۱۳۸۰ و در نهایت سبب روی کار آمدن دولت انتقالی افغانستان به ریاست حامد کرزای گردید. برگزاری ناگهانی و پرشتاب «سمینار بین‌المللی پیشبرد رسانه‌های مستقل و کثرت‌گرا در افغانستان که در ۱۲ تا ۱۴ شهریور ۱۳۸۱ به ابتکار سازمان یونسکو، با همکاری دولت انتقالی افغانستان و مشارکت برخی از مؤسسات خبری و سازمان‌های رسانه‌ای غربی در کابل تشکیل گردید، زمینه را برای بهبود اوضاع رسانه‌ها مهیا کرد. در این سمینار قانون جدید مطبوعات افغانستان آنکه چند ماه پیش (۱۸ اسفند ۱۳۸۰) منتشر شده بود، یکی از موضوعات بسیار مهم مورد بحث و مناقشه بود. در سمینار علاوه بر انتقادات، توصیه‌ها و راهکارهایی برای بهبود وضعیت رسانه‌ها در افغانستان ارائه گردید (نک: معتمدنژاد ۱۳۸۱: ۹-۱۲). توصیه‌های سمینار مذکور در قانون اساسی جدید افغانستان که در دی‌ماه ۱۳۸۲ به تصویب لویه جرگه و در نهایت در ششم بهمن ۱۳۸۲ طی مراسمی توسط حامد کرزای توشیح، لازم‌الاجرا و جایگزین قانون اساسی سال ۱۳۴۳ افغانستان شد، اعمال گردید. در ماده ۳۴ قانون مذکور آمده است:

«آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، پردازد. احکام مربوط به مطابع [چاپخانه‌ها]، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های قانون اساسی جدید و ماده ۳۴ قانون مذکور، شیوه «اعلام‌نامه‌ای» است که موجب سهولت برای دریافت مجوز و انتشار مطبوعات شده است. «به منظور انتشار نشریه در افغانستان هرکسی که توانایی داشته باشد، بدون آنکه در انتظار مجوز نشر باشد، ابتدا فعالیت خود را آغاز و درخواست مربوطه را به وزارت اطلاعات و فرهنگ تسلیم می‌کند. این وزارتخانه، ظرف یک هفته موافقت یا مخالفت خود را با دلایل مستدل اعلام می‌کند.» (محمدپور، ۱۳۸۴: ۲۲)

نظر به اینکه در قانون جدید افغانستان انواع مالکیت (دولتی، حزبی و خصوصی) به رسمیت شناخته شده است، تنوع و کثرت نشریات افزایش یافته است. برابر اطلاعات دریافتی از وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان نزدیک به ۴۰۰ نشریه مجوز انتشار دریافت نموده‌اند؛ از این تعداد به‌طور تقریبی در سراسر کشور بیش از ۲۰۰ نشریه انتشار می‌یابد. سایر نشریات به رغم این‌که مجوز انتشار دارند، اما به دلیل ضعف که متوجه خود نشریات است، منتشر نمی‌شوند. روزنامه‌های انیس، هیواد، اصلاح و کابل تایمز با بودجه دولت در کابل منتشر می‌شوند.

نشریات غیردولتی مانند: روزنامه افغانستان، روزنامه هشت صبح، روزنامه راه نجات، روزنامه چراغ، روزنامه ویسا، هفته‌نامه جامعه، هفته‌نامه پیمان، هفته‌نامه کابل، دوهفته‌نامه رسانه‌ها، مجله کلید و مجله مرسل نیز به صورت خصوصی اداره و منتشر می‌شوند.

گرچه در دوره اخیر رادیو - تلویزیون تا حدودی مطبوعات را به حاشیه رانده است؛ اما در مجموع فرصت بسیار خوبی برای مدیران مطبوعات و خصوصاً مدیران مطبوعات خصوصی فراهم شده است که در چارچوب قانون از آزادی بیان بهره‌مند گردند و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی خویش را به انجام برسانند. فعالیت‌های رسانه‌ای در مورد مخابرات، رادیو و تلویزیون وارد مرحله تجارتي شده است، و در این زمینه‌های کم‌کم تعبیر غول‌های رسانه‌ای دارد کاربرد پیدا می‌کند، اما این رویداد در مطبوعات افغانستان اتفاق نیفتاده است.

### د. مطبوعات مهاجران افغانی در ایران

قیام عمومی مردم مسلمان افغانستان علیه نظام کمونیستی (۱۳۵۸) که در ابتدا به صورت درگیری‌های خیابانی بود، به جنگ‌های چریکی در قالب گروه‌های منسجم ادامه یافت. ضرورت نیاز به یک وسیله مؤثر ارتباطی برای تبلیغ و ترویج مرام‌های حزبی موجب تأسیس نشریات گردید. پس از انتقال مراکز اصلی تصمیم‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی به خارج از کشور نشریاتی نیز پدید آمدند که بدون توجه به محل انتشار آنها می‌توان از آنها به نام «مطبوعات مهاجرین افغانستان» یاد کرد.

معین‌الدین محرابی در کتاب «نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران» که به نشریات سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ اختصاص دارد، شناسنامه و فهرست ۲۰۱ نشریه را گردآوری نموده است. همان‌گونه که در پیشگفتار آمده است، این فهرست می‌تواند کامل نباشد و تعداد نشریات مهاجران بیشتر از آن نیز باشد. حمزه واعظی (۱۳۷۷) هم در مقاله‌ای که در فصلنامه دُرّ دری به چاپ رسیده است، نشریات مهاجران را در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ مورد بررسی قرار داده است (نک: واعظی، ۱۳۷۷: ۷۶-۸۵). چنانچه بخواهیم بررسی دامنه نشریات مهاجران افغانی مقیم ایران را تا اواسط دهه ۱۳۸۰ ادامه دهیم، به دو دوره کلی می‌توانیم دست یابیم.

### ۱. دوره نشریات حزبی

این دوره که سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱ را شامل می‌گردد، در واقع دوره سلطنت نشریات حزبی در فضای فرهنگی و مطبوعاتی مهاجران مقیم ایران است. این احزاب که تعداد آنها به بیش از ۲۰ حزب کوچک و بزرگ می‌رسد، به دلیل موقعیت سیاسی و توان مالی، هم‌قادر به تدارک و تأمین امکانات نشریه بودند و هم از آزادی و حق کسب امتیاز برای تداوم و تبلیغ مرام و اهداف سیاسی خود در محیط مهاجرت برخوردار بودند (واعظی، ۱۳۷۷: ۷۷). احزاب در ایران نشریات متعددی منتشر کرده‌اند. به عنوان نمونه حزب وحدت اسلامی افغانستان ۲۲ عنوان نشریه، حزب اسلامی افغانستان ۱۱ عنوان نشریه و جمعیت اسلامی افغانستان نیز ۱۱ عنوان نشریه منتشر کرده است (نک: محرابی، ۱۳۸۲: ۸). در همین دوره برخی نشریات مستقل مانند ماهنامه حیل‌الله ارگان نشراتی سیدجمال‌الدین حسینی، ماهنامه‌های «پیام مهاجر» و «جوالی» نشریه کانون مهاجر نیز وجود داشتند که کوشیدند فراتر از چارچوب‌ها و انگاره‌های حزبی و گسترده‌تر از تعلقات و تعصبات گروهی بپردازند. (واعظی ۱۳۷۷: ۷۸)

### ۲. دوره شکوفایی نشریات مستقل

پس از کناره‌گیری دکتر نجیب‌الله از قدرت، حاکمیت دولت اسلامی مجاهدین (۷۴-۱۳۷۱) آغاز گردید؛ بسیاری از روزنامه‌هایی که تا پیش از این در چارچوب احزاب در خارج از کشور منتشر می‌شدند، به داخل افغانستان منتقل شدند. از آن زمان تاکنون (تابستان ۱۳۸۶) دامنه نشریات، مراکز فرهنگی، انجمن‌ها و اتحادیه‌های دانشجویی و مدارس خودگردان مهاجران در ایران که به دور از وابستگی و تعلق حزبی هستند، گسترده‌تر گردیده است. «در واقع در این مقطع از فعالیت‌های مطبوعاتی، نوعی گریز از سیاست و گرایش‌های حزبی در میان نیروهای فرهنگی دیده می‌شود.» (واعظی، ۱۳۷۷: ۸۳)

لازم به یادآوری است، تعدادی انگشت‌شماری «نشریات دولتی» مانند ماهنامه مهاجر و گاهنامه افغانستان در سال ۱۳۷۲ و ماهنامه پیام صلح نیز در سال ۱۳۷۹ توسط سفارت افغانستان در تهران منتشر شده‌اند.

به‌طورکلی هیچ‌کدام از نشریات مهاجران افغانی مقیم ایران به صورت روزنامه نبوده‌اند، بلکه فاصله انتشار آنها شامل گاهنامه، فصلنامه، دوماهنامه، ماهنامه، دوهفته‌نامه و هفته‌نامه بوده است. علاوه بر آن، هیچ‌کدام از نشریات مهاجران افغانی مقیم ایران جنبه اقتصادی نداشته‌اند، بلکه به‌طور عام احزاب و گروه‌های سیاسی مستقر در ایران از

نشریات به عنوان بلندگوی تبلیغاتی استفاده کرده‌اند؛ بودجه نشریات نیز توسط احزاب تأمین و مدیران آن نیز توسط سران احزاب از میان فعالان فرهنگی که معمولاً دانش روزنامه‌نگاری نداشتند، تعیین می‌شده است. برخی افراد و گروه‌های مستقل هم برای فروشنده‌ن عطف و احساسات یا پرورش ذوق و قریحه خویش در پاره‌ای از موارد اقدام به انتشار نشریات نموده‌اند، اما پس از مدتی از انتشار نشریه دست کشیده‌اند. سفارت افغانستان در تهران نیز به عنوان یکی از ارکان دولت، در دهه اخیر به صورت پراکنده اقدام به انتشار نشریه نموده است.

بنابراین سه نوع مدیریت و مالکیت حزبی، خصوصی و دولتی برای نشریات مهاجران افغانی مقیم ایران نیز وجود دارد. هرچند در دهه اول مهاجرت مدیران و فعالان نشریات مهاجران به عنوان مبلغان احزاب و معمولاً از میان فعالان فرهنگی که سابقه مطبوعاتی نداشتند تعیین می‌شدند، اما به مرور زمان همین افراد تجربیات مطبوعاتی بسیار خوبی را در این زمینه کسب نمودند. آنچه را که مدیران نشریات حزبی به عنوان امور واقعی و حقیقی می‌دانستند آمیخته به منافع و مصالح حزب بود.

برخی از فعالان مطبوعات حزبی مهاجران پس از کم‌رنگ شدن نقش احزاب که از سال ۱۳۷۱ به بعد در ایران آغاز گردید، به عنوان مدیران نشریات غیرحزبی مهاجران افغانی مقیم ایران قد علم کردند. همچنین برخی نشریات خصوصی توسط فعالان دانشگاهی، مراکز و مدارس خودگردان مهاجران پدید آمدند. اگر وجه اشتراک همه این مدیران را در عدم تجربه و آموزش لازم در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی بدانیم، تیراژ پایین، دوره انتشار کوتاه‌مدت از دیگر مشخصات نشریات خصوصی مهاجران افغانی در ایران است. مدیران نشریات هرچند دارای تخصص مطبوعاتی نبودند، ولی در کنار جشنواره‌هایی که برای مطبوعات در ایران پدید می‌آمد، فرصتی برای حضور در نشست‌های تخصصی روزنامه‌نگاری برای آنان دست می‌داد.

## فهرست منابع

۱. آسوده، عزیز. «بنیانگذار مطبوعات معاصر»، فصلنامه *دُر دری*، سال دوم، شماره ۸-۱۳۷۷، ۶.
۲. آهنگ، محمدآصف. «فشرده تاریخ افغانستان»، فصلنامه *توسعه*، سال چهارم، شماره ۱۷، ۱۳۸۴.
۳. آهنگ، محمدکاظم. *سیر ژورنالیسم در افغانستان*، به اهتمام ق - عارفی، کابل: نشر انجمن تاریخ و ادب و افغانستان آکادمی، ۱۳۴۹.
۴. انوشه، حسن. *دانشنامه ادب فارسی (ج ۳): ادب فارسی در افغانستان*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۵. بی‌نام. «بررسی مسیرهای ارتباطی آسیای مرکزی: بحران ارتباطات در نظام کمونیستی افغانستان»، *دنیای اقتصاد*، سال دوم، شماره ۴۲۲ (ششم تیرماه)، ۱۳۸۳.
۶. جعفری، سعیدمحمد. «افغانستان؛ کشور فراموش شده: طالبان به استفاده از روزنامه‌نگاران زن تن دادند!»، *روزنامه عصرآزادگان*، ۲۵ مرداد ۱۳۷۷، شماره ۲۱، ۱۳۷۷.
۷. جعفری، سعیدمحمد. افغانستان؛ «کشور فراموش شده: باید‌ها و نبایدهای فعالیت‌های اجتماعی، رسانه‌های همگانی در حکومت طالبان»، *روزنامه عصرآزادگان*، ۲۵ مرداد ۱۳۷۷، شماره ۲۰، ۱۳۷۷.
۸. حسین‌زاده، بصیراحمد. «انیس و یاران او: نگاهی به شکل‌گیری روزنامه *انیس*»، فصلنامه *دُر دری*، سال دوم، شماره ۸-۱۳۷۷، ۶.
۹. خوافی، میرزا یعقوب‌علی. *پادشاهان متأخر افغانستان* (جلد اول)؛ ویراستاری، مقدمه و فهرست: محمد سرور مولایی، تهران: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، ۱۳۸۱.
۱۰. دوپری، لوئیس. «رکن چهارم، بررسی مطبوعات آزاد افغانستان در دهه قانون اساسی (۱۳۵۲-۱۳۴۳)»، ترجمه علی‌احمد راسخ، فصلنامه *دُر دری*، سال دوم، شماره ۸-۱۳۷۱، ۶.
۱۱. دولت‌آبادی، بصیراحمد. *شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان*، قم: عرفان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۲. دولت‌آبادی، بصیراحمد. *شناسنامه افغانستان*، قم: عرفان، ۱۳۸۲.
۱۳. عصمت‌اللهی، محمدهاشم. *نظام مطبوعات افغانستان* (دیروز، امروز، فردا)، با مقدمه دکتر کاظم معتمدنژاد و دکتر نعیم بدیعی استاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران: بیکران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۴. غبار، میرغلام‌محمد. *افغانستان در مسیر تاریخ* (جلد دوم)، انتشارات جمهوری، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۵. فرهادی، روان. مجموعه مقالات محمود طرزی در *سراج‌الانخبار افغانیه ۹۷-۱۲۹۰* ش، کابل: بیهقی، ۱۳۵۵.
۱۶. *قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان*، مصوب ۶ آبان ۱۳۸۲.
۱۷. محرابی، معین‌الدین. *نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران (۱۳۸۱-۱۳۵۸)*، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.
۱۸. محمدپور، مجید. *نگاهی به: افغانستان امروز*، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری، ۱۳۸۴.
۱۹. مشعوف، میرمحمدیعقوب. «نگاهی گذرا به تاریخ مطبوعات افغانستان» (۱۹۹۲-۱۷۴۷م)، فصلنامه *دُر دری*، سال دوم، شماره ۸-۱۳۷۷.
۲۰. معتمدنژاد، کاظم و ابوالقاسم منصفی. *روزنامه‌نگاری: با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر*، مرکز نشر سپهر، ۱۳۳۸.
۲۱. معتمدنژاد، کاظم. «سینار بین‌المللی پیشبرد رسانه‌های مستقل و کثرت‌گرا در افغانستان»، *رسانه*، سال سیزدهم، شماره ۱۳۸۱، ۲.

۲۲. مولانا، حمید. «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، با یادداشت‌های رضا مرزبان»، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸.
۲۳. واعظی، حمزه. «سالهای تپش و رویش: بررسی مطبوعات مهاجرین مقیم ایران در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ش»، فصلنامه کَرّ درّی، سال دوم، شماره ۶۸، ۱۳۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی